



راه تجربه

طوبی صدیقی جزو معدود بانوان تولیدکننده انبوه گل و گیاه آپارتمانی در شهر ماست

گلخانه، خانه دوم من است



خرده‌فروشی فقط برای عشق گل‌ها

بانسیم خنک صبحگاهی، بوی خاک‌های نم خورده، مشام مارا پر می‌کند. سربیزی و طراوت گل‌ها که در گلدان‌های بزرگ و کوچک کاشته شده‌اند، توجه هر رهگذری را به خود جلب می‌کند تا برای دقایقی هم که شده، به گشت وگذار در این گلخانه مشغول شوند. طوبی خانم می‌گوید: محصولات و تولیدات گلخانه‌های این مجتمع اگرچه به صورت عمده به فروش می‌رسد و بیشتر مغازه‌دارها به اینجای می‌آیند، مشتری‌گذاری هم داریم؛ کسانی که عاشق گل و گیاه هستند. در این مواقع ذهنیت من این است که نمی‌توان کسی را که این مسیر طولانی و پرت را به عشق خرید گلی آمده است، دست خالی برگرداند.

او تعریف می‌کند: اوج فروش ما او خراسند ماه است که گل‌های بهاری مثل گل شب بو، سنبل، بنفشه و البته سبزه عید نوروز عرضه می‌شود. اواز حدود هزار ظرف سبزه که نوروز امسال در گلخانه‌شان تولید کرده بودند، می‌گویی و ۱۲ هزار سبزه که در کل این مجموعه گلخانه کاشته شده و بر سفرهای هفت سین شهروندان نشسته است.

هروقت فرصت شود به گلخانه می‌آیم

طوبی خانم در حالی که علف‌های هرزیای یکی از گلدان‌ها را می‌کند، می‌گوید: برای کسی که عشق این کار را دارد، تک‌تک این گل‌ها مثل بچه‌هایش هستند. گل‌ها از وقتی قلمه‌شان می‌زنند تا وقت به ثمر رسیدن، نیاز به مراقبت دارند.

می‌پرسم پس با این همه عشق و علاقه باید خانه‌تان پر از گل و گلدان باشد. او می‌گوید: قبل آمدن من به این مجتمع، خانه حیاط‌داری را اجاره کرده بودیم که چون فضای کافی برای کار داشتیم، خانه شده بود گلخانه. هر جا رانگاه می‌کردی، گل و گلدان بود. آنجا بود که تصمیم گرفتیم گل‌ها را به اینجا منتقل کنیم. الان آپارتمان نشین هستیم و خانه نورچندانی ندارد؛ بنابراین بیشتر گیاهانی را که نیاز به نور کمتری دارند، در خانه نگهداری می‌کنیم.

طوبی خانم در حالی که شعله‌زیر سماور برنجی را زیاد می‌کند، می‌گوید: اینجا خانه دوم ماست. اوایل که فرزندم کوچک تر بود، آمدنم به اینجا سخت بود. اما الان هروقت از کارهای خانه فارغ می‌شوم، بلافاصله به اینجا و بالای سر گل‌هایم می‌آیم.

فاطمه سیرجانی همه چیز برای طوبی خانم از علاقه‌اش در نوجوانی شروع شد. دختر خطه سربسز گلستان که سایه به سایه پدر در گلخانه کوچک حیاط خانه، قلمه می‌زد، کاشتن و به ثمر رساندن یک شاخه گل را هر روز زندگی کرد تا امروز به عنوان یکی از معدود بانوان تولیدکننده انبوه گل‌ها و گیاهان آپارتمانی در شهر ماسناخته شود.

طوبی صدیقی در شروع کارش، تجربه ارزشمند گلخانه‌داری در خانه پدر را با آموزش‌هایی که در زمینه پرورش گل‌ها و گیاهان آپارتمانی دیده بود، در هم آمیخت و بعد از دو ج. در محله تربیت، یک مغازه کوچک گل فروشی راه انداخت. این بانوی ساکن محله دانشجو با حمایت‌های همسرش در این حرفه آن قدر آزمون و خطا کرد تا امروز یکی از سربسزترین گلخانه‌های شهر را مدیریت کنند و سالانه تولید بیش از ۳ هزار گل و درختچه آپارتمانی، سهم آن‌ها باشد.

دستیار بحق پدر

طبق نشانی وارد مجتمع گلخانه‌ای آموزش و پرورش می‌شویم و به سومین سازه بزرگ مجموعه، گلخانه طوبی خانم و همسرش، حامد علیانی می‌رسیم. ورودی گلخانه را بوته گل کاغذی سرخابی رنگی صفا و زیبایی چشم‌نوازی داده است. طوبی خانم در ابتدای روایت علاقه‌مندی‌اش به این حرفه یا بهتر است بگوییم این هنر، از خانه پدری را بیان می‌کند: پدری که بذرا این علاقه را در دلش کاشت و اواز نوجوانی شد و دستش، طوبی تعریف می‌کند: حیاط خانه پدری‌ام در شمال بسیار باصفا بود، طوری که همه همسایه‌ها حسرتش را داشتند.

امیر مسعود صدیقی پدر طوبی خانم به مرور در این حرفه به چنان خبرگی‌ای می‌رسد که بعدها چهار گلخانه راه می‌اندازد. طوبی خانم که در همه این سال‌ها کنار دست پدر بوده است، بعد از دو ج با جوانی مشهودی با توجه به علاقه‌اش به این حرفه تصمیم می‌گیرد رویه پدر را پیش گیرد. او تعریف می‌کند: بعد از آمدن به مشهد تصمیم گرفتم کار پدرم را دنبال کنم. برای همین بعد از آموزش‌هایی که دیدم در خانه با قلمه‌زدن چند شاخه از گل‌هایی که داشتم، شروع کردم و به مرور با خرید گل‌های بیشتر و قلمه‌هایی که به ثمر می‌نشست، انگیزه‌ام برای ادامه دادن بیشتر شد، چون در تولید گیاهان آپارتمانی که بسیار هم حساس بود، توانمند شده بودم.

تلخی و شیرینی گلخانه‌داری

طوبی خانم از اولین مغازه گل فروشی‌شان پشت زندان وکیل آباد می‌گوید و شیرینی فروش اولین گل و گیاهانی که در خانه قلمه زده بود: «با اندک پس‌اندازی که داشتیم، فقط می‌توانستیم آنجا را برای فروش گل‌ها اجاره کنیم. جایی پرت و دور افتاده بود که به جز همسایه‌های ساکن آن محدوده، جنبه‌ای دیده نمی‌شد. به ثمر نشستن تولیدات و داشتن مشتری در آن زمان که امکانات چندانی هم نداشتیم و اول راه بود، بسیار شیرین بود.» صدیقی از سرماهای استخوان‌سوز زمستان‌ها و گرماهای سوزنده تابستان‌ها می‌گوید و قطعی برق و گاز و دوره کرونا و خسارت‌های مالی، اما هیچ‌کدام از این‌ها باعث دلسردی آن‌ها نشد و با شروع کردن دوباره از صفر، سعی کردند کارشان را ادامه دهند.

گل فقط برای گل‌دوست‌ها

از هدیه بردن گلدان گل به مناسبت‌های مختلف برای دوست و آشنا که سؤال می‌کنیم، می‌گوید: حتماً این کار را می‌کنیم، اما نه برای همه؛ برای کسانی که بدانیم به گل علاقه‌مندند و در نگهداری و مراقبت از آن وسواس دارند.

او که در کنار تولید گل، در زمینه مراقبت از گیاهان و گیاه‌درمانی هم مشاوره می‌دهد، خاطره‌ای از یکی از مشتری‌هایش که عاشق گل بود را تعریف می‌کند: چند سال قبل، یک نخل شامادورا به خانمی تقریباً مسن فروخته بودیم. نخل‌های ما در گلدان‌های کوچک قرار داشت، یک روز در مغازه نشسته بودم و دیدم آن خانم، یک گلدان بزرگ نخل را آورده برای عوض کردن خاک. او گفت این همان نخلی است که از خود شما خریده‌ام و چند بار گلدانش را عوض کرده‌ام. الان دیگر چون خیلی رشد کرده است، می‌خواهم خودتان خاکش را عوض کنید. برای خود من توجه و علاقه‌آن خانم در مراقبت از یک گل جالب بود و جالب و عجیب‌تر اینکه گلی که برده بود، چند برابر همان نوع گل مادر محیط گلخانه رشد کرده بود!

